

Research Article

Investigating the use of legal linguistic tools in detecting truthful testimony and its impact on improving judicial testimony using Hyland's theoretical model.

Zohreh Bahrami¹, Davood Madani^{*2}, Mahmoud Ghayoumzadeh³

Received: 2022/10/07 Accepted: 2022/12/19

Abstract

The Highland model is one of the most important models used by linguists for the interaction between the author of the text and the text itself. Therefore, since in judicial testimony, the author's witness and his statements are considered the text, and by using a guided and participatory interactive model, false testimony can be detected and ultimately help improve judicial testimony, the author has discussed and examined "The Use of Legal Linguistics Tools in Detecting True Testimony and Its Effect on Improving Judicial Testimony Using the Highland Theoretical Model" using a library method and a descriptive-analytical approach, and has concluded that: Since the witness in interrogation seeks to advance the testimony in his own and the plaintiff's favor, and by violating the Highland principle, he becomes contradictory in his testimony, but the courts, using linguistic principles, especially the Highland principle, do not allow the witness to constantly change or advance the subject according to his wishes, or to advance the cases as he wishes and in his own favor. A review of cases related to judicial testimony indicates that witnesses most often use signs such as doubters and implicators when lying.

Keywords: *Legal linguistic tools, judicial testimony, Hyland's theoretical model, metadiscourse.*

¹ - PhD student in Linguistics, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

² - Assistant Professor, Department of Linguistics, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding author)

³ - Professor, Department of Islamic Law and Education, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

مقاله پژوهشی

بررسی کاربرد ابزارهای زبان‌شناسی حقوقی در تشخیص شهادت راست و تأثیر آن در بهبود

شهادت قضایی با استفاده از الگوی نظری هایلند

زهرة بهرامی^۱، داود مدنی^۲، محمود قیوم زاده^۳

چکیده

الگوی هایلند از مهم‌ترین الگوهایی است که زبان‌شناسان آن را برای تعامل میان نویسنده متن و خود متن بکار می‌برند، لذا از آنجا که در شهادت قضایی، شاهد نویسنده و اظهارات آن، متن محسوب می‌شود و از طریق بکارگیری الگوی تعاملی هدایتی و مشارکتی، می‌توان شهادت دروغ را تشخیص و در نهایت به بهبود شهادت قضایی کمک نمود، به همین دلیل نگارنده به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی «کاربرد ابزارهای زبان‌شناسی حقوقی در تشخیص شهادت راست و تأثیر آن در بهبود شهادت قضایی با استفاده از الگوی نظری هایلند» را مورد بحث و بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که: از آنجا که شاهد در بازجویی به دنبال آن است که شهادت را به نفع خود و خواهان پیش ببرد، و با نقض اصل هایلند، دچار تناقض‌گویی در ادای شهادت می‌شود، اما محاکم قضایی با استفاده از اصول زبان‌شناختی به ویژه اصل هایلند، اجازه نمی‌دهند که شاهد پیوسته موضوع را مطابق میل خود تغییر یا پیش ببرد، یا قضایا را طبق دلخواه و به نفع خود پیش ببرد. بررسی پرونده‌های مربوط به شهادت قضایی بیانگر آن است که شهود هنگام دروغ گفتن بیشترین استفاده را از نشانه‌های همچون: تردیدنماها و دخیل‌سازها و ... استفاده می‌کنند.

واژگان کلیدی: ابزارهای زبان‌شناسی حقوقی، شهادت قضایی، الگوی نظری هایلند، فراگفتمان.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

^۲ - استادیار، گروه زبان‌شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ - استاد، گروه حقوق و معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۱- مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی با استفاده از دانش زبانی و نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در حوزه زبان‌شناسی و روش‌های ارائه شده در زمینه تجزیه و تحلیل گفتمان^۱، معنی‌شناسی^۲، کاربردشناسی^۳، کنش‌های گفتار^۴، فنون نگارش متون حقوقی^۵، آواشناسی در تشخیص هویت^۶، و سایر موارد، مسائل حقوقی را تحلیل می‌کند و بدین ترتیب نه تنها مشکلات زبان‌شناسان و حقوقدانان را در درک عقاید یکدیگر برطرف می‌سازد بلکه در حقیقت موجب فهم و درک صحیح قانون در جهت اجرای عدالت اجتماعی می‌شود. به عبارت دیگر، گستره عملکرد پژوهش‌های زبان‌شناسی حقوقی از یک طرف، دانش زبان‌شناسی از طرف دیگر نیازهای مجامع قانونی و حقوقی است. در عصر حاضر یکی از کاربردهای آن در مجامع قضایی در خصوص شهادت قضایی است که با توجه به انگیزه‌های سودجویی و دلایل دیگر، امروزه عده‌ای از افراد بدون اطلاع از وقایع و قضایا، اقدام به شهادت در محضر دادگاه می‌نمایند، لذا مقاله حاضر با توجه به اهمیت موضوع، درصدد تبیین کاربرد ابزارهای زبان‌شناسی حقوقی در تشخیص شهادت راست و تأثیر آن در بهبود شهادت قضایی با استفاده از الگوی نظری هایلند است. و در این خصوص می‌توان گفت کاری که زبان‌شناسی حقوقی در خصوص شهادت قضایی انجام می‌دهد، در واقع با بکارگیری اصولی مانند: اصل هایلند به قاضی و محاکم قضایی کمک می‌نماید که شهادت کذب را از صدق تشخیص دهد، این کار با فرآیندی مانند شناسایی آواشناسی و واج‌شناسی و کاربرد آن در زبان‌شناسی حقوقی و سایر ابزارهای زبان‌شناختی میسر است. لذا نگارنده در تحقیق حاضر با استفاده از الگوی نظری هایلند و تطبیق آن بر روی پرونده‌ها، الگویی جامع برای بهبود شهادت قضایی ارائه می‌نماید.

۲. زبان‌شناسی حقوقی

زبان‌شناسی حقوقی شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است که به تعامل بین زبان، قانون و جرم^۷ مربوط می‌شود؛ (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۴۲) زبان‌شناسانی همچون گیبونز^۸، شای^۹، تیرسما^{۱۰}، سولانه^{۱۱}، کریستال و اولسون^{۱۲} شاخه‌های زبان‌شناسی حقوقی را به شیوه‌های مختلف توصیف می‌کنند. این رشته علمی شامل مطالعه مواردی است که با کاربرد مدارک زبانی در متنهای مختلف و موقعیت‌های خاص ارتباط دارد مانند مسائلی از قبیل:

۱. شناسایی صاحب متن‌های گفتاری (تشخیص صدا) و نوشتاری (تعیین هویت نویسنده اسناد مکتوب) با استفاده از اصول زبان‌شناختی،
۲. کاربرد مدارک زبانی در دادگاه برای تعیین گونه‌های زبانی خاص، سبک و سیاق^{۱۳} افراد،
۳. تحلیل امضاء و جعل متن،
۴. بررسی میزان خوانایی و قابل فهم بودن مدارک قانونی،
۵. بررسی مصاحبه‌های انجام شده با افراد مظنون،
۶. ارتباط ناموفق و کیل موکل،

^۱. Discourse analysis

^۲. semantics

^۳. pragmatics

^۴. Speech acts

^۵. Law text writing skills

^۶. Identification phonetics

^۷. crime/offence

^۸. J. Gibbons

^۹. R. Shy

^{۱۰}. P. Tiersma

^{۱۱}. LM. Solon

^{۱۲}. J. Olsson

^{۱۳}. style & register

۷. مشکلات مربوط به متون حقوقی، ترجمه‌ی همزمان و ترجمه‌ی متون حقوقی از شاخه‌های مطرح شده توسط آنها است. (عزیزی، مؤمنی، ۱۳۹۱، ص ۴۵)

گروت^۱ معتقد است «زبان شناسی حقوقی علمی است که ناظر بر عملکرد کلیه‌ی شاخه‌های زبان شناسی از قبیل آواشناسی در تشخیص هویت، فنون نگارش متون حقوقی، معنی شناسی^۲ و تجزیه و تحلیل کلام و متن بر اهداف مرتبط با قانون در محاکم قضایی است. حوزه‌ی عملکرد تحقیقات زبان شناسی حقوقی از یک طرف دانش زبان شناختی و از طرف دیگر نیازهای مجامع قانونی و حقوقی همچون دادگاهها است.» (همان، ص ۴۶)

در سال‌های اخیر در رشته‌ی زبان شناسی تحولات عمیقی رخ داده است. بدین معنا که اندیشمندان این رشته با توسعه‌ی دانش خویش توانسته‌اند به روش‌های نوینی برای رسیدن به اهدافی خاص دست یابند که بسیاری از آنها را به علت کاربرد فراوان در حل مسائل مختلف، تحت عنوان زبان شناسی کاربردی طبقه بندی می‌کنند. یکی از این حوزه‌های میان رشته‌ای و کاربردی، زبان شناسی حقوقی است. زبان شناسی حقوقی شاخه‌ای جدید و به سرعت روبه رشد از زبان شناسی کاربردی است. (ترنم، ۱۳۷۸، ص ۴۹) مک منامین^۳ می‌گوید: «زبان شناسی حقوقی مطالعه‌ی علمی زبان با کاربردی برای اهداف و بافت حقوقی است. تحقیقات اخیر نیز نشانگر موج جدید گرایش در این حوزه‌ی جدید است. این تعریف و سایر تعاریف مشابه نشان می‌دهد که این حوزه پل ارتباطی بین دو رشته‌ی زبان شناسی و حقوق است و برای رفع نیازهای قضایی شکل گرفته است. (Macmennamin, 2002, p 111)

فوستر^۴ معتقد است: «بین زبان شناسی و حقوق رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد و یکی از این حلقه‌های ارتباط سبک شناسی^۵ حقوقی است که نیاز آن در دادگاه‌ها کاملاً مشهود است. نیاز به این رویکرد نوین در دادگاه‌ها به تدریج نمایان می‌شود، به نحوی که از سال ۱۹۹۷ زبان شناسان حقوقی توانستند در محاکم آمریکا و اروپا نقش فعالی داشته باشند. همکاری زبان شناسان با قضات و پلیس روز به روز رو به گسترش است.» اما در مورد زبان شناسی حقوقی این ابهام وجود دارد که یک یا چند حوزه‌ی زبان شناسی حقوقی را به کل زبان شناسی حقوقی بسط می‌دهند. (Foster, 2000, p 112)

مک منامین در رابطه با این نکته به دایره‌المعارف زبان چاپ دانشگاه کمبریج، اثر کریستال^۶ اشاره می‌کند که در آن کریستال مدخل زبان شناسی حقوقی را تنها بحث در مورد سبک شناسی^۷ معرفی کرده است و مدعی شده است که سبک شناسی حقوقی نام دیگری برای زبان شناسی حقوقی است. در زبان فارسی نیز مشکلی که وجود دارد، تعدد معادل‌های گوناگون برای واژه‌ی forensic linguistics است، نگارندگان زبان شناسی حقوقی را بهترین معادل می‌دانند (عزیزی و مومنی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱).

کاربرد زبان شناسی حقوقی بسیار گسترده است، چنانچه شای^۸، پدر زبان شناسی حقوقی معاصر می‌گوید: «سال هاست که زبان شناسان، حوزه‌ی کار خود را به ارتباطات، تبلیغات و حتی اخیراً فصل مشترک زبان و قانون بسط داده اند. اکنون زبان شناسان به بررسی قانون و مسائلی چون تشخیص صدا، رد پای زبانی پناهجویان، تعیین هویت نویسنده‌ی اسناد مکتوب، صحت نامه‌های خود کشی، بررسی نامه‌های تهدید به اخاذی، شناسایی مؤلف در بین صدها نامه، پست الکترونیکی و بازسازی متن پیامک در تلفن همراه، تحقیقات متعدد از شناسایی قاتل گرفته تا بررسی تهدید

^۱ . R. Groot

^۲ . semantics

^۳ . McMennamin

^۴ . Foster

^۵ . Stylistics

^۶ . Crystal

^۷ . (forensic) stylometry

^۸ . Roger W. Shuy

شاهد، تحقیق در مورد آزار و اذیت جنسی و موارد محرک غیراخلاقی در اینترنت برای کودکان، بررسی در مورد عدم توازن قدرت در دادگاه ها، ارتباط ناموفق و کیل - موکل، ماهیت شهادت دروغ، مشکلات مربوط به متون حقوقی، تهمت و افتراء، تقلب در عناوین تجاری و مالکیت معنوی، تعبیر و ترجمه‌ی مکالمه‌ها در دادگاه ها، و به عبارت دیگر نحوه‌ی تفسیر رأی دادگاه، ادعای تحریف بازجویی‌ها (ادعا توسط متهم مبنی بر این که اظهاراتش تحریف یا دستکاری شده است)، کارایی بروشورهای هشداردهنده و تجزیه و تحلیل ماهیت مکالمه‌های ضبط شده می‌پردازند. حتی ممکن است از زبان شناس حقوقی درخواست شود متون قدیمی و موافقت نامه‌های مربوط به اختلافات قلمرویی کشور در طول تاریخ را نیز بررسی کند. اگرچه می‌توان حوزه‌ی اخیر را زبان شناسی کاربردی نامید، اما اصطلاح «زبان شناسی حقوقی» از سال ۱۹۸۰ تاکنون به این حوزه اطلاق شده است.» (shuy, 2008, p 83) تولان^۱، السون^۲، گینز^۳ و تعدادی دیگر نیز به کاربرد این رشته در امور مختلف اشاره می‌کنند مانند: بررسی زبان وکیل مدافع و شاهدان عینی، بازجویی پلیس و قضات و آموزش ایشان، شناسایی ویژگی‌های زبانی شاخص در پیام‌های تلفنی فرد مزاحم یا قربانیان آن، بررسی نامه‌های تهدید آمیز... همه‌ی این موارد نیازمند تحلیل جدی و زبان شناختی از سوی زبان شناس است.

۳. شهادت قضایی

واژه «شهادت» عربی و مرادف با گواهی در زبان فارسی است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۴۵۹۳) و شاهد به معنای گواه می‌باشد و جمع آن شهود و آشهد است (ابن منظور، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۱). شهادت از ریشه «شهد» گرفته شده و در فرهنگ نامه‌های عربی (طریحی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۸۰-۸۱؛ ابن منظور، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۳۹)، شهادت در معنای مصدری^۴ به معنای متعددی مثل حضور داشتن، آگاه بودن، دیدن، اخبار و اعلام استعمال شده است. ابن فارس درباره معنای شهادت می‌نویسد: «در تمام کلماتی که از شهد اخذ شده، مفهوم حضور و علم و اعلام نهفته است؛ از جمله شهادت که سه معنای ذکر شده را در خود دارد» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۲۱).

تعاریف متعددی از شهادت در منابع فقهی (جبعی عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۵۳؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۵۰۵) و حقوقی (امامی، ۱۳۷۰، ج ۶، ص ۱۸۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۱۳-۱۴) بیان شده است. قانونگذار در ماده ۱۷۴ ق.م.ا در تعریف شهادت مقرر می‌دارد: «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است». مطابق ماده ۱۷۵ ق.م.ا شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است، اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد. شهادت شرعی در مقابل شهادت عرفی یا شهادت مطلعان است و منظور شهودی هستند که واجد شرایط شرعی و قانونی شهادت نیستند. ماده ۱۷۶ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است». عناصر و نکاتی در تعریف مقنن از شهادت وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. خبر بودن شهادت: شهادت نقل حادثه یا امری است که شاهد آن را دیده یا شنیده بابا سایر حواس خود آن را درک کرده است. برای مثال ضرب و جرح و قتل را دیده یا دشنام و قذف را دیده و شنیده است و به اعلام و نقل آنها می‌پردازد. کار شاهد احداث امری نو نیست، بلکه شاهد به نقل و تصدیق وقایع و حوادث پیشین اقدام می‌کند. به عبارت دیگر، شهادت از مقوله خبر است نه انشا. بنابراین در شهادت، احتمال صدق و کذب وجود دارد و در دادگاه لازم است به قدر کافی و لازم در خصوص شرایط شاهد و شهادت دقت کند.

۲. جزمی بودن: همان طور که در مباحث مربوط به مفهوم لغوی روشن شد، شهادت به معنای خبر از روی علم و یقین

^۱ Toolan.

^۲ Olsson.

^۳ Gibbons.

^۴ «شهادت» هم دارای معنی اسمی است و هم دارای معنی مصدری. معنی اسمی آن مانند استعمال این کلمه در آیه «عالم الغیب و الشهادة» (انعام، ۳) است. در آیه مزبور، کلمه شهادت در مقابل کلمه غیب آمده است. علاوه بر آن، این کلمه در معنی خبر قاطع نیز استعمال می‌شود و معنی مصدری آن «حضور داشتن»، «درک نمودن» و «اطلاع داشتن» و همچنین «اخبار قاطع دادن» است.

است و شاهد باید با علم و جزم شهادت بدهد. با توجه به اینکه جزم و یقین در مفهوم شهادت نهفته است، نیازی نیست در تعریف شهادت قید شود. در خصوص جزم و یقین در مبحث شرایط شهادت بحث خواهد شد.

۳. طرف دعوی نبودن شاهد: شاهد در شهادت، طرف دعوی نیست. او شخصی غیر از طرفین دعواست که از معلومات و اخبارش برای اثبات یا نفی جرم یا امور مربوط به آن استفاده می‌شود. بنابراین سخنان مدعی یا مدعی علیه یا وکیل آنان شهادت محسوب نمی‌شود.

۴. تعمیم در موضوع شهادت: موضوع شهادت در دعاوی کیفری همیشه وقوع یا عدم وقوع جرم نیست؛ بلکه گاهی گواهی در خصوص اموری نظیر شهادت در جرح یا تعدیل شهود است که نه وقوع جرم است و نه عدم وقوع آن. تذکر این نکته لازم است که شهادت به منشأ حق تعلق می‌گیرد، نه به خود حق. مثلاً در جرم قتل که حادثه ای مادی است، براساس قانون این عمل مادی، منشأ حق قصاص یا دیه برای اولیای دم است و شهادت به خود قتل تعلق می‌گیرد.

۴. الگوی هایلند

هایلند، برای نخستین بار، تمام جنبه‌های مربوط به تعامل میان نویسنده متن و خود متن و همچنین نویسنده متن و خواننده متن را ذیل اصطلاح «فراگفتمان» تعریف و طبقه‌بندی کرده و ادعا می‌کند محقق در چارچوب مطالعه مبتنی بر فراگفتمان می‌تواند از دایره متن و گفتمان فراتر رفته و متن را به مثابه کنشی اجتماعی تحلیل کند (قلی مافیان و کارگر، ۱۳۹۳).

از نظر وی، نویسنده متن، آگاهانه یا ناآگاهانه از ابزارهای مختلف زبانی برای تعامل با خواننده استفاده می‌کند. هایلند، فراگفتمان تعاملی - هدایتی^۱ و فراگفتمان تعاملی - مشارکتی^۲ را بیان کرد. فراگفتمان تعاملی - هدایتی با سازماندهی اطلاعات گزاره‌ای به نحوی عمل می‌کند که متن را منسجم و برای مخاطب متقاعدکننده جلوه دهد. این در حالی است که فراگفتمان تعاملی - مشارکتی، برای نشان دادن چشم‌انداز نویسنده نسبت به اطلاعات گزاره‌ای و خواننده به کار می‌رود (طارمی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۴۶).

هایلند (۲۰۰۵ ب) در الگوی خود، ۱۰ نشانگر فراگفتمانی را ارائه می‌نماید که پنج نشانگر مربوط به فراگفتمان تعاملی - هدایتی و پنج نشانگر به فراگفتمان تعاملی - مشارکتی مرتبط هستند. نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی - هدایتی عبارتند از: گذارها^۳، قالب‌نماها^۴، ارجاعات^۵ درون متنی^۶، استنادها^۷ و ابهام‌زدها^۸. نشانگرهای فراگفتمان تعاملی - مشارکتی عبارتند از: تردیدنما^۹، یقین‌نما^{۱۰}، نگرش‌نما^{۱۱}، خود اظهار^{۱۲} و دخیل‌ساز^{۱۳}.

جدول ۱: توضیح هر یک از نشانگرها را به همراه مثال نشان می‌دهد.

^۱ Interactive

^۲ Interactional

^۳ Transitions

^۴ Frame Markers

^۵ در زبان‌شناسی، به حالتی در جمله‌ها که درک معنای یک عنصر متنی با مراجعه به عناصر دیگر متن امکان‌پذیر می‌شود ارجاع گویند. عمده ارجاعات را ضمایر شخصی، ملکی، اشاره‌ای و صفات ملکی تشکیل می‌دهند.

^۶ Endophoric Markers

^۷ Evidentials

^۸ Code Glosses

^۹ Hedges

^{۱۰} Boosters

^{۱۱} Attitude Markers

^{۱۲} Self-mentions

^{۱۳} Engagement Markers

جدول ۱: جدول تعاملی - هدایتی

نشانه	کاربرد	مثال
تعاملی - هدایتی	راهنمایی خواننده در متن	منابع ^۱
گذارها	روابط بین جمله‌واره‌های اصلی ^۲ را بیان می‌کنند.	in addition; but; thus; and
قالب نماها	به مراحل، توالی‌ها و «اعمال گفتمانی» ^۳ اشاره می‌کنند.	finally; to conclude; my purpose is
ارجاعات درون متنی	به اطلاعات ارائه شده در قسمت‌های دیگر متن اشاره می‌کنند.	noted above; see Fig; in section 2
استنادها (شواهد)	به اطلاعات ارائه شده در متون دیگر اشاره می‌کنند.	according to X; Z states
ابهام زداها	معانی محتوای گزاره‌ای را با دقت شرح می‌دهند. ^۴	namely; e.g.; such as; in other words

جدول ۲: تعاملی - مشارکتی

نشانه	کاربرد	مثال
تعاملی - مشارکتی	به مشارکت طلبیدن خواننده در متن	نمونه
تردیدنماها	عبارت‌های احتیاطی هستند که از هرگونه التزام خودداری می‌کنند و گفتگو را باز می‌کنند.	ظاهراً / شاید / به نظر می‌رسد
یقین‌نماها	عبارت‌های تأکیدی هستند که قطعیت و یقین نویسنده را نسبت به تحقق امری بازتاب می‌دهند و گفتگو را می‌بندند.	قطعاً / بی‌تردید / مبرهن است که
نگرش‌نماها	دیدگاه و نگرش نویسنده را در خصوص یک پدیده بیان می‌کنند و نیز بیان‌کننده شگفتی، اجبار، موافقت؛ اهمیت و غیره است.	متأسفانه / جالب توجه این که / خوشبختانه
خود	نویسنده با استفاده از ضمائر شخصی و ملکی در	من / ما / بر این باوریم / معتقدم که

^۱ . Resources

^۲ . Main clauses

^۳ . Discourse acts

^۴ . Elaborate

اظهارها	گفتمان، به طور صریح به خودش ارجاع می‌دهد.
دخیل‌سازها	برای ارتباط نویسنده با مخاطب و به عبارتی مشارکت جویی نویسنده از طریق جلب توجه آن‌ها به موضوع مورد بحث یا شرکت دادن آن‌ها در گفتمان از طریق ضمائر دوم شخص، پاره‌گفت‌های امری، پرسش و غیره کاربرد دارد.
	فرض کنید / توجه کنید / ببینید

۵. فراگفتمان

فراگفتمان، واژه‌ای با کاربرد وسیع در حوزه تحلیل گفتمان است که به رویکرد نسبتاً جدیدی ارجاع می‌دهد که در آن تعامل‌های میان تولیدکننده متن، خودمتن و مصرف‌کننده متن را مفهوم‌سازی می‌نماید. فرکلاف^۱ فراگفتمان را نوعی «بینامتنیت بارز»^۲ اطلاق می‌کند که نویسنده با بکارگیری آنها به تعامل با متن خودش می‌پردازد. از این رو، فراگفتمان می‌تواند به عنوان یک فن بلاغی^۳ تعریف شود که توسط گوینده یا نویسنده اعمال می‌شود تا درباره گفته‌اش صحبت نماید. (کریزمور، ۱۹۸۹، ص ۸۶) انگاره‌های متفاوتی برای فراگفتمان مطرح شده است که با توجه به همخوانی و تناسب انگاره هایلند (۲۰۰۵) با گفتمان علمی، این انگاره چارچوب پژوهشی مطالعه حاضر در نظر گرفته می‌شود. در انگاره هایلند (۲۰۰۵)، دو بُعد اصلی به نام‌های بعد تبدالی و برهم‌کنشی برای فراگفتمان مطرح می‌شود که هر یک مشتمل بر راهبردهای متنوعی است.

اصطلاح «فراگفتمان» به عناصر زبان‌شناختی خود اندیشیده‌ای اطلاق می‌شود که برای تبادل معنا در متن، کمک به نویسنده در بیان نگرش و لحاظ کردن خواننده به عنوان عنصری از یک جامعه خاص به کار می‌رود. (هایلند، ۲۰۰۵، ص ۳۷). زیگ هریس، اصطلاح «فراگفتمان» را برای نخستین بار در سال ۱۹۵۹ مطرح نمود و این مفهوم بعدها توسط افرادی همچون ویلیامز (۱۹۸۱)، وندکاپل (۱۹۸۵)* و کریزمور (۱۹۸۹) گسترش یافت (هایلند، ۲۰۰۵، ص ۳). انگاره‌های متنوعی از فراگفتمان وجود دارد (نظیر وندکاپل، ۱۹۸۵؛ کریزمور و دیگران، ۱۹۹۳؛ هایلند، ۲۰۰۰، ص ۴۱) که اگر چه هیچ یک از طبقه‌بندی‌های فراگفتمان در انگاره‌های موجود نمی‌تواند بیش از قسمتی از یک واقعیت فازی^۴ را بیان نماید (هایلند و تس، ۲۰۰۴، ص ۱۷۵) لیکن به نظر می‌رسد که الگوی فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) ابزار جامع و کاربردی‌تری جهت تحلیل فراگفتمان علمی^۵ ارائه می‌دهد.

در انگاره هایلند (۲۰۰۵)، فراگفتمان متشکل از دو بُعد اصلی به نام‌های بُعد برهم‌کنشی^۶ و بُعد تبدالی است. راهبردهای بُعد برهم‌کنشی فراگفتمان، فرصتی را برای خواننده فراهم می‌کنند تا در گفتمان به طور فعال مشارکت یابد و از سوی دیگر، کمک می‌کنند تا سطحی از هویت و نگرش نویسنده در متن بروز یابد. بُعد تبدالی فراگفتمان که مسئله موردنظر پژوهش حاضر است، در زیر به طور مشروح مرور می‌گردد. هدف از بکارگیری راهبردهای بُعد تبدالی فراگفتمان، شکل‌گیری یک متن به نحوی است که علاوه بر این که تعبیرهای مرجح نویسنده و اهداف وی را پوشش دهد، نیازهای مخاطب خاص را نیز برآورده نماید.

^۱ Fairclough .

^۲ manifest intertextuality .

^۳ rhetorical strategy .

^۴ fuzzy reality .

^۵ academic discourse .

^۶ nteractional .

۶. راهبردهای فراگفتمان تبدلی

نشانه‌های گذار: گذارها در اصل عبارات ربطی و قیدی هستند که به خواننده کمک می‌کنند ارتباط کاربردی میان قسمت‌های مختلف را تعبیر نمایند.

مارتین و رز^۱ سه نقش گفتمانی متمایز برای نشانه‌های گذار ذکر می‌کنند (Martin, 2003, p 127) که عبارتند از:

الف: افزودنی^۲ که با استفاده از واژه‌ها و عباراتی نظیر (and, furthermore, by the way, moreover) عناصری را به بحث می‌افزایند.

ب: سنجشی^۳ که نشان می‌دهد مباحث، مشابه یکدیگر (Likewise, equally, in the same way) یا متفاوت از هم (in contrast, but, on the other hand) هستند.

ج: پیامد^۴، بیانگر نتیجه‌ای است که از مباحث اخذ می‌گردد. این نتایج می‌توانند همسو (thus, therefore, consequently) یا در جهت مخالف (admittedly, nevertheless, anyway) بحث‌های مطرح شده باشند.

نشانه‌های قالبی: قالب‌نماها آشکارکننده مرزهای متن و فراهم‌کننده قالب، جهت عناصر موجود در گفتمان هستند که به منظور اهداف ذیل مورد استفاده واقع می‌شوند:

الف: بیانگر ترتیب اجزای متن (first, then, next, 1/2, a/b)

ب: برجسب‌زنی آشکار مراحل مختلف متن (to summarize, in sum)

ج: اعلام اهداف گفتمان (My purpose is, I hope to persuade)

نشانه‌های درون‌متنی: نشانه‌های درون‌متنی نظیر (refer, see Figure2, to the next section) با برقراری ارتباط میان گزاره‌ها و بر اساس ارزیابی نویسنده، توانایی پردازش و پذیرش مطالب مورد بحث از طرف مخاطب مفروش را ارتقا می‌دهد.

گواه‌نماها: گواه‌نماها «تظاهر فرازبانی ایده‌ای از منبعی دیگر» هستند (Thomas, 1994, p 129) که جهت هدایت تعبیرخواننده و تصدیق نظرات نویسنده مورد استفاده قرار می‌گیرند. نقل قول‌ها در حالی که شواهدی را فراهم می‌آورد و به کارهای پیشین ارجاع می‌دهد، مواد متنی جدید را در قالب چارچوبی از واقعیت‌های معتبر و قابل استناد در کارهای بعدی نیز طرح‌ریزی می‌کند.

تأویل‌رمزها: تأویل‌رمزها از قبیل (for, in other word, this is called, example) فراهم‌آورنده اطلاعات اضافی به وسیله دگرگونی، ارائه توضیحات و بیان جزئیات در زمینه گزاره‌های موجود در گفتمان هستند. این منبع فراگفتمان تبدلی سبب می‌شود خواننده، معنای موردنظر نویسنده را بهتر کشف نماید. (Hyland, 2004, p 156)

۶-۱. کاربرد الگوی هایلند در شهادت‌نامه‌های قضایی

یکی از مهم‌ترین دشواری‌های پیش روی قاضی در رسیدگی به قضایا، پیچیدگی نحوی و ترتیب کلمات در شهادت‌نامه‌ها است. (Levi, 1993, p 20) برای مثال، کارشناس زبان‌شناسی قضایی در موارد استفاده متعدد شاهد

^۱ . Martin and Rose

^۲ . addition

^۳ . comparison

^۴ . consequence

از «عبارات منفی در یک جمله»، «ترکیب چند جمله در یک جمله»، «حذف معنوی کلمه»، «ترکیب پیچیده ادات منطقی مانند و، یا، اگر، مگر اینکه» (Ibid, p 7-8)، می‌تواند جملات پیچیده را به جملات ساده‌تری تبدیل کند. به عنوان مثال به پیچیدگی نحوی متن زیر توجه کنید:

«(۱) اگر مزایای کمک مالی شما در حد فعلی باقی بماند و (۲) یک دادرسی منصفانه تصمیم بگیرد که کاهش کمک‌های مالی شما صحیح بوده، (۳) میزان کمک دریافت شده که شما مستحق آن نبوده‌اید، از طریق پرداخت بعدی جبران می‌شود و (۴) اگر کنسل شده باشد، (۵) مبلغ باید مسترد شود».

در رابطه با نوع ترکیب ساختاری جمله فوق یک زبان‌شناس قضایی می‌تواند مشخص کند که منظور شاهد از جملات مزبور این است که، «اگر جمله (۱) اتفاق بیافتد و سپس جمله (۲) اتفاق بیافتد و بعد اگر جمله (۳) اتفاق بیافتد یا اگر جمله (۴) هم اتفاق بیافتد، سپس جمله (۵) باید رخ دهد».

پیچیدگی نحوی موجود در متن شهادت‌نامه فوق به دلیل ساختار درونی پیچیده رأی صادره است که از جمله‌های شرطی مرکب، جمله‌های بدون فاعل و اسم‌های مرکب پیچیده تشکیل شده است. اگرچه زبان‌شناس قضایی نمی‌تواند به طور مستقیم بر نتیجه دعوا یا تصمیم قاضی در زمینه مدارک تأثیرگذار باشد. اما وی حداقل، به عنوان کارشناس می‌تواند از طریق ساده‌سازی پیچیدگی ساختارهای نحوی جملات دستیابی به عدالت را تسهیل نماید. البته ممکن است در برخی موارد قضات در برابر زبان‌شناسان موضع بگیرند. برای مثال یک قاضی در ایالات متحده از پذیرش نظر کارشناسی الن پرنس که یک زبان‌شناس بود خودداری کرد و چنین اظهار داشت که این وظیفه دادگاه است که در مورد مفاهیم تصمیم‌گیری نماید. (Prince, Ellen, 1981, p 112). قطعاً در مواردی که زبان‌شناس با یک متن حقوقی مواجه است کار دشوارتر می‌شود. زیرا وکلا و قضات خود را به عنوان محافظان و واضعان این معانی قلمداد می‌نمایند. به هر حال ضروری به نظر می‌رسد تا به زبان‌شناسان اجازه داده شود که نظریات تخصصی خود را بیان دارند، زبان‌شناسان قضایی بر این اعتقادند که درک یک زبان‌شناس از متونی که برای صدور حکم به آن استناد می‌شود (بازجویی‌ها، اعترافات و ...) باید با زبانی ارائه شود که نه چندان تخصصی باشد که درک نشود و نه چندان عامیانه باشد که مسئله را نتوان از طریق آن، بهتر از درک یک فرد عادی تبیین نمود. (Shuy, 1996, p 8). زبان‌شناس قضایی که برای شهادت در دادگاه حاضر می‌شود یا به وکلاء در قضیه‌های مختلف مشاوره می‌دهد باید به تفاوت‌های کارش با انجام زبان‌شناسی صرف و نوشتن مقالات تخصصی آگاه باشد. به عبارت دیگر، زبان‌شناسی که به نوعی به دادگاه وارد می‌شود باید به روش دیگری از تحلیل مسلط باشد و پیش‌نیازهای دیگری را برای انجام درست و دقیق کار خود رعایت کند. (Shuy, 2000, p 68). نقش زبان‌شناسی قضایی در رابطه با رفع ابهام‌های واژگانی دستوری نیز بسیار قابل توجه است. در این خصوص یکی از قضایای حقوق آمریکا که در سال ۱۹۹۴ به دیوان عالی ارجاع داده شد قابل اشاره است. (Kaplan & others, 1995, p 1). در این قضیه، آقای گراندسون به دلیل تخریب مراسلات پستی محکوم شده بود. مجازات این عمل حداکثر شش ماه حبس بود، اما قاضی تصمیم گرفت که وی را جریمه و به پنج سال (شصت ماه) حبس تعلیقی محکوم نماید. اما در دوران آزادی مشروط خود آقای گراندسون به دلیل همراه داشتن کوکائین دستگیر شد. اما در دوران آزادی مشروط خود آقای گراندسون به دلیل همراه داشتن کوکائین دستگیر شد. در چنین مواردی قانون به دادگاه دستور می‌دهد در صورتی که مجازات عمل مجرمانه جدید خوانده کمتر از یک سوم مجازات اصلی نباشد، آزادی مشروط محکوم را لغو نماید. این مقرر دادگاه را با مشکل مواجه کرد. زیرا اگر مجازات اصلی را مبنای حبس تعلیقی قرار دهد، در واقع مجازات مجرم برای ارتکاب جرم دوم کاهش پیدا می‌کند. به این دلیل که مجرم چهل ماه از دوران حبس تعلیقی خود از جرم اصلی را سپری نکرده بود. در این قضیه دادگاه، عبارت «جرم اصلی»^۱ را به زندانی شدن تفسیر کرده است تا بتواند نوع مجازات را تعیین نماید و پنج سال حبس تعلیقی را نیز مبنای تعیین مدت مجازات قرار داده است. در نهایت، دادگاه چنین تصمیم گرفت که وی بیست ماه

^۱ Main Offence .

زندانی شود که این مجازات، سه برابر حداکثر مجازات مقرر برای جرم اصلی بود. این تفسیر خاص بر اساس دلایل زبان‌شناختی، قابل تصدیق نیست زیرا در موارد ابهام، هر دو معنایی که به ذهن می‌رسد نمی‌تواند مصداق داشته باشد. در خصوص این قضیه، دیوان عالی کشور نه تنها مباحث زبان‌شناختی را مورد توجه قرار داد، بلکه آن را در رأی خود نیز ذکر کرد و تفسیر دادگاه تالی را تغییر داد و مجازاتی که کمتر از دو ماه حبس نباشد (یک سوم مجازات اصلی محکوم) را مقرر کرد. از آنجا که متهم تا صدور حکم دیوان یازده ماه را در حبس به سر برده بود، تقریباً دو برابر حداکثر مجازات جرم اصلی، پس از ابلاغ رأی دادگاه تالی فوراً آزاد شد.

تبیین معنای واژگان مبهم در آراء هیأت منصفه نیز از طریق زبان‌شناسی قضایی قابل دسترسی است. در یک قضیه پیرمرد ۵۸ ساله‌ای که کارگر کارخانه سیمان بود علیه یک شرکت بیمه به اقامه دعوا پرداخت (Prince, 1981, p 112). در این قضیه شرکت بیمه با این مدعا که بیمه‌گذار در مورد برخی از سؤالات مندرج در فرم اصلی بیمه‌نامه دروغ گفته است. از پرداخت مقرری از کارافتادگی به وی خودداری کرده بود. سؤالات به شرح زیر بود: «آیا نقص عضو دارید؟ آیا نقص در بینایی یا شنوایی دارید؟ آیا نقص در عملکرد دست یا پا دارید؟ آیا فلج موضعی دارید؟ توضیح دهید». شرکت بیمه چنین استدلال کرده بود که پیرمرد وقتی به این سؤالات پاسخ منفی داده است در واقع دروغ گفته است، چرا که وی در آن زمان دارای اضافه وزن، کلسترول بالا و گاهی کمردرد بوده است، هرچند که هیچ یک از این عوامل سبب نشده بود که وی کار خود را ادامه ندهد (Ibid). دادگاه در این خصوص از یک زبان‌شناس نظر مشورتی خواست. در خصوص این قضیه خاص، وی بر ابهام کلمه «نقص عضو» متمرکز شد و چنین استدلال کرد که هر خواننده متعارفی، با توجه به مفهوم جمله‌ای که کلمه «نقص عضو» در آن به کار رفته است به طور منطقی به این نتیجه می‌رسد که این عبارت به معنای شرایط فیزیکی طاقت‌فرسا و ناتوان‌کننده است. با توجه به اینکه کلمه «نقص عضو» تعریف نشده است و مثال‌های ارائه شده نیز مفید نیستند بلکه همراه‌کننده هستند و همچنین با توجه به هدف شرکت بیمه از پافشاری بر این کلمه، زبان‌شناس چنین استدلال کرد که پاسخ منفی پیرمرد به این سؤالات مناسب بوده است و وی دارای حسن نیت بوده است. در این قضیه، قاضی به نفع خواهان حکم نمود.

در رابطه با مستندات ارائه شده از سوی ضابطین قضایی در بازجویی‌ها باید گفت که بسیاری از قضایا، حول محور میزان صحت نوشته‌های مکتوب در تعاملات بین پلیس و متهمین دور می‌زند. اگر تاکنون تبدیل گفتار به نوشتار را امتحان کرده باشید، در می‌یابید که این عمل چندان هم ساده نیست، با این وجود، ضابطین قضایی هیچ دستورالعملی در خصوص روند این عمل و اینکه چه چیزهایی را می‌توان حذف کرد و یا باید حذف کرد، در دست ندارند. در این خصوص یکی از نویسندگان خارجی تهیه نسخه صورت جلسه‌ای از مذاکرات مجلس را مورد بررسی قرار داده است. وی به این نتیجه رسید که این مذاکرات زنجیروار به هم پیوسته نیستند و در نتیجه هنگام تهیه صورت مذاکرات مجلس که اهمیت زیادی هم دارند، تغییر می‌نمایند. (Slembrouck, 1992, p 101). به دلیل عدم سلامت در گفتار و سایر اجزای سخن (مانند آهنگ و تأکید در کلمات) غالباً برخی از کلمات هنگام نوشتن حذف می‌شوند. معمولاً تکرارها (حتی در زمانی که عمداً تکرار می‌شوند)، کلماتی که کامل تلفظ نمی‌شوند، اظهارات ناقص، شروع‌های اشتباه، فرمول‌بندی‌ها، اشتباهات دستوری و غیره در نوشتار حذف می‌شوند. (Ibid, p 104) به نظر می‌رسد در گزارشات متداول ضابطین قضایی همچنین اتفاق‌هایی می‌افتد. در این خصوص رأی قضیه رابرت بورتن در دادگاه تجدیدنظر انگلستان در سال ۲۰۰۲ جالب توجه است. بورتن در حالی که دستانش خون‌آلود بود با همراهانش که قصد داشتند یکی تریلی حامل محموله ویسکی به ارزش ۲۵۰ هزار پوند را برابند، دستگیر شد. وی نمی‌دانست که هم‌داستانش در واقع پلیس مخفی هستند. بورتن ادعا می‌کرد که در موقعیت‌های مختلف سعی داشت که همراهانش را که گمان می‌کرد، مجرمین واقعی هستند. و به دلیل خرید مواد مخدر، به آن‌ها بدهکار بوده است از این سرقه منصف نماید، اما آن‌ها وی را مجبور به سرقه کرده‌اند، در نتیجه وی ادعا می‌کرد که پلیس مخفی‌ها در عمل غیرقانونی تحریک به ارتکاب جرم، سهیم بوده‌اند. نیروهای پلیس یادداشت‌های مربوط به متن پیاده شده مذاکرات تلفنی متعددی را به عنوان بخشی از مدارک خود ارائه کرده بودند و ادعا می‌کردند که یک مأمور مخفی پلیس با اسم رمز چارلی، بلافاصله پس از مکالمه

هرآنچه که در ذهن داشته است را نوشته است. در مقابل این ادعای پلیس، بورتن برای دفاع از خود اظهار داشت که این نوشته‌ها به قدری دقیق‌اند که ممکن نیست بر مبنای آنچه که در حافظه باقی مانده است، نوشته شده باشند و بنابراین، باید از روی نوار ضبط رونویسی شده باشند که البته نمی‌تواند به عنوان مدرک مورد استناد قرار گیرد، زیرا در این مکالمات افسر پلیس وی را به ارتکاب جرم ترغیب کرده بود. شواهد زبان‌شناختی تأکید کردند که این ماکلمه از روی یک نوار رونویسی شده است به این دلیل که در متن موجود به مراتب از نشانه‌های گفتمانی مانند، خوب، درسته، بنابراین، جاپرکن‌ها از جمله «مانند» و «متوجه شدی که منظورم چیست؟» و تصدیق جواب سؤال با کلماتی مانند بله، بسیار خوب و استفاده شده بود که ویژگی زبان‌گفتاری است.

نکته دیگری که ذکر آن ضروری است که منحصر به فرد بودن بیان زبانی فردی گاهی سبب می‌گردد که اعتراف و اقرار محل اختلاف و تردید واقع گردد. در این خصوص می‌توان به قضیه‌ای در حقوق انگلستان اشاره کرد. در این قضیه چهار مرد بر مبنای اعتراف یکی از آن‌ها به نام پاتریک مولی متهم و در نهایت به قتل پسر ۱۳ ساله‌ای به نام کارل بریج و اثر محکوم شدند و البته هیچ‌گونه شواهد مبتنی بر پزشکی قانونی در تأیید این موضوع وجود نداشت و در نتیجه مولی اعترافات خود را پس گرفت. او پذیرفت که در حقیقت او واژه‌هایی که در اعتراف ضبط شده بود را بیان کرده است. اما بر این موضوع اصرار می‌کرد که او توسط یک افسر پلیس که پشت سر او ایستاده بود مجبور به بیان آن واژه‌ها شده بود. او همچنین ادعا کرد که قبل از اعتراف برای مدت طولانی مورد آزار جسمی و کلامی قرار گرفته بوده است. پلیس از طرف دیگر برای تأیید اعتبار اعتراف به نسخه نوشتاری ثبت شده مصاحبه استناد می‌کرد و عنوان می‌کرد که اطلاعات مندرج در آن نسخه مشابه همان اطلاعاتی بود که در اعترافات ذکر شده بودند و عیناً به همان زبان بیان شده‌اند، مولی از پذیرش صحت متن مکتوب بازجویی سرباز می‌زد و ادعا می‌کرد در حین اعتراف مورد اذیت و آزار قرار گرفته است. در مقابل پلیس مدعی بود متن اقرارنامه بعد از مصاحبه بر مبنای اطلاعات اعتراف موجود تنظیم شده است. در زیر متن بازجویی شفاهی و متن مکتوب آن مقایسه شده‌اند، مواردی که عیناً تکرار شده است به صورت درشت (بولد) و عبارت‌هایی که مفهوم یکسانی را بیان می‌کنند به صورت ایرانیک بیان شده‌اند.

در نهایت لازم به ذکر است که نقش زبان‌شناسی قضایی در ایفای حقوق بشر بسیار اساسی و بارز می‌باشد. علاوه بر تأثیر مهم این دانش در رعایت عدالت و حفظ حقوق متهمین و طرفین دعوی حقوقی، یکی دیگر از مسائلی که نقش زبان‌شناسی قضایی در آن بسیار حیاتی است، نقش آن در یاری رساندن به دولت‌ها و نظام‌های قضایی در ایفای تکلیف حقوق بشری خود به رعایت حق تکلم به زبان دلخواه، به طور کلی و در فرآیندهای مرتبط با دادرسی و احقاق حق به طور جزئی است. (البته ضمن رعایت قوانین آمره کشور در رابطه با زبان رسمی). به استناد «حق تکلم به زبان دلخواه» هیچ فردی نباید به دلیل اینکه گویشور زبان خاصی است، خساراتی را متحمل شود. به عبارت دیگر، افراد از حق تکلم به زبان دلخواه خود برخوردارند (Haviland, 2003, p 764) به رغم اینکه اعمال حقوق بشر مستلزم حمایت از حق تکلم به زبان دلخواه است، ولی حمایت از این حق مشکلاتی را در دادرسی ایجاد می‌کند که زبان‌شناس قضایی می‌تواند صحت و کیفیت دادرسی و رعایت این حق را از طریق کلیه راهکارهای موجود در زبان‌شناسی قضایی، جمع و تضمین نماید. همچنین در رابطه با رعایت حقوق معلولین و خصوصاً متهمان ناشنوا، حقوق بشر دادگاه‌ها را ملزم می‌داند تا در زمان بازجویی یا استماع اعتراف یا شهادت ایشان، از مترجمان متخصص در این زمینه برای ترجمه هم‌زمان از زبان اشاره و بالعکس استفاده کند تا در نتیجه روند دادرسی دقیق‌تر گردد و عدالت محقق شود. (Miller, 2002, p 381). در این رابطه، نقش زبان‌شناسی قضایی در تبیین و روشن ساختن ابهامات زبانی، گفتاری و نحوی حاصله غیرقابل انکار می‌باشد.

۶-۲. کاربرد الگوی هایلند در بهبود شهادت‌نامه قضایی

پرونده حکم به اعسار و معافیت از پرداخت هزینه دادرسی با استناد به استشهادیه طرح دعوای اعسار از سوی مدیر عامل شرکت که تاجر محسوب می‌شود، فاقد وجاهت قانونی

است.

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۸۸۹

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۱/۸/۶

رأی شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران

آقای (الف) و به طرفیت بیمه (الف) دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر تقدیم کرده که در تاریخ ۹۰/۱۰/۲۶ به این شعبه ارجاع شده است. با عنایت به اینکه خواهان استشهادیه منطبق بر قانون اعسار را به پیوست دادخواست تقدیم نموده و در جلسه دادرسی نیز دو نفر را به عنوان شاهد معرفی کرده و آن‌ها به عسرت و تنگدستی خواهان گواهی داده‌اند در مقابل خوانده دفاع قابل قبولی ارائه نداده و دلیلی بر رد دعوی خواهان و مفاد شهادت گواهان تقدیم نکرده، لذا دعوی مطروحه مسلم و ثابت است. بر همین اساس به استناد ماده ۵۰۴ و ۵۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به اعسار خواهان و معافیت موقت وی از پرداخت هزینه دادرسی مراحل تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه شماره ۷۰۰۰۵۷ مورخ ۹۰/۱/۲۱ صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف مدت بیست‌روز پس از ابلاغ قابل اعتراض نزد محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

رئیس شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران - رجبی

شاهد اول:

نام و نام خانوادگی کدملی آدرس

ق: آقای چقدر می‌شناسید و چه مدتی با آن آشنایی دارید؟

ش: کم و بیش می‌شناسم به نظرم آدم خوبی است؟

ق: آیا ایشان در حال حاضر معسر است.

ش: به نظرم ایشان در حال حاضر فقیر است.

ق: ایشان در حال حاضر چقدر سرمایه دارد اطلاع کافی از سرمایه و درآمد ایشان دارید؟

ش: به نظر من ایشان در حال حاضر هیچ سرمایه‌ای ندارد و متأسفانه همه سرمایه‌اش را در اثر ورشکستگی از دست داده است.

ایراد شهادت‌نامه قضایی شهود اول با استفاده از الگوی هایلند

با تأمل در رأی اصدار یافته می‌توان گفت که قاضی شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران شهادت شهود را مبنی بر اعسار پذیرفته است اما با تطبیق الگوی تعاملی هایلند بر اظهارات شهود می‌توان دریافت که برخی از اظهارات شهود اول از جمله:

۱- **کم و بیش** می‌شناسم به **نظرم** آدم خوبی است: از قاطعیت و یقین شاهد خبر نمی‌دهد زیرا که طبق الگوی تعاملی هایلند الفاظ ظاهراً، شاید به نظر می‌رسد عبارتهای احتیاطی هستند که از هرگونه التزام خودداری می‌کنند و گفتگو را باز می‌کنند (تردیدنماها)

۲- به **نظرم** ایشان در حال حاضر فقیر است.

الفاظ به نظرم یا به نظر می‌رسد طبق الگوی هایلند الفاظ **تردیدنما** است که گوینده در آن از هرگونه التزام خودداری می‌نماید.

بهبود شهادت نامه قضایی شهود اول با استفاده از الگوی هایلند

بر اساس مدل الگوی هایلند یقین نماها، نگرش نماها، خوداظهارها، و دخیل‌سازها از جمله موارد مهمی هستند که می‌تواند به بهبود شهادت‌نامه قضایی کمک نماید و شهادت را دارای ارزش و اعتبار نماید مثلاً شهود اول به جای جمله: به **نظرم** ایشان در حال حاضر فقیر است اگر این الفاظ را **بدون تردید** ایشان در حال حاضر فقیر است به کار می‌برد می‌توانستیم صداقت شاهد اول را بفهمیم. اما متأسفانه از الفاظ تردیدنما استفاده کرده است و این گونه الفاظ

بیانگر آنست که شهود نسبت به اظهارات خود هیچ‌گونه التزامی ندارد لذا دادگاه می‌تواند چنین شهادتی را بی‌اعتبار تلقی نماید زیرا که بر اساس ماده ۳۴۱ ق.آ.د.م تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است مطابق این ماده ارزشیابی نهایی به دادرس سپرده شده است و قاضی می‌تواند در چنین مواردی شهادت گواهان را بپذیرد یا رد نماید.

شاهد دوم

نام و نام خانوادگی: کدملی: آدرس:

ق: خواهان را از کجا می‌شناسید؟

ش: چند سالی است که خانام نزدیکی شرکت ایشان است.

ق: از کجا متوجه شدید که ایشان ورشکست شده و معسر است؟

ش: یک ماه پیش دیدم که وسایل از جمله میز و صندلی و کامپیوتر شرکت‌اش را می‌فروخت **فکر کردم** که به دلیل نیاز مالی وسایل شرکت‌اش را می‌فروشد.

ق: آیا به نظر شما ایشان در حال حاضر معسر است؟

ش: **تا جایی که می‌دانم** بله ایشان در حال حاضر هیچ‌گونه مالی ندارد.

ایرادات شهادت‌نامه قضایی شاهد دوم با استفاده از مدل الگوی هایلند

افعال به کار رفته توسط شهود از جمله:

۱- **فکر کردم** که به دلیل نیاز مالی وسایل شرکت‌اش را می‌فروشد.

۲- **تا جایی که می‌دانم** بله ایشان در حال حاضر هیچ‌گونه مالی ندارد.

از الفاظ تردیدی هستند که طبق الگوی هایلند عبارتهای احتیاطی هستند که گوینده یا نویسنده هنگامی از آنها استفاده می‌نماید که از هرگونه التزام خودداری می‌نماید در واقع این‌گونه الفاظ در عصر حاضر مرتبه نازلتر معرفت به شمار می‌آید زیرا بیشتر لغت‌دانان و معرفت‌شناسان نیز شک را به معنای تردید در دو احتمال - به طور مساوی یا غیرتساوی - در نظر گرفته‌اند که نشان می‌دهد شک نوعی معرفت ضعیف را شامل می‌شود لذا چنین شهادت‌هایی نمی‌توانند در محاکم قضایی قابل استناد باشد ماده ۱۸۳ ق.م.ا مقرر می‌دارد:

«شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که هستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، ادا شود». و بر اساس دلالت آیات و روایات و اتفاق نظر فقها، شهادت باید مستند به علم (قطع و یقین) باشد. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود. خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء / ۳۶). «از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چراکه گوش و چشم و دل، همه مسئولاند».

در این آیه، از پیروی ناآگاهانه و بدون علم، به طور مطلق و بدون قید و شرط نهی شده است و نهی در آیه هم شامل پیروی اعتقاد غیرعلمی است و هم عمل غیرعلمی، بنابراین اگر شخصی به حقیقت بودن امری علم نداشته باشد، نباید به آن اعتقاد داشته باشد، و اگر آگاهی و یقین به چیزی نداشته باشد، نباید براساس آن عمل نماید (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۱۲، ص ۱۱۶). مگر در مواردی مثل امارات و اصول عملیه که شارع مقدس عمل بر طبق آن را مجاز شمرده است^۱.

شهادت عملی است که در آن، شاهد از امری خبر می‌دهد. بنابراین شهادت بدون علم، عمل بدون علم است و مشمول نهی در آیه است. روایات متعددی بر لزوم شهادت از روی علم دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۸۲-۳۸۳).

^۱ . شیخ بهایی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۹۹: «استدل الشيخ بالعمومات الناهية عن العمل بغير العلم بقوله تعالى ولا تقف ما ليس لك به علم، ونحوه وذكر أن مقتضى هذه العمومات حرمة العمل بغير العلم الا ما خرج بالدليل، ونسبة أدلة حجية امارة خاصة إلى تلك العمومات، نسبة المخصص إلى العام».

بهبود شهادت نامه قضایی شاهد دوم با استفاده از الگوی هایلند

از آنجا که طبق ماده ۱۸۳ ق.م.ا. شهادت باید از روی قطع و یقین باشد لذا شهادت نامه‌هایی که در آن الفاظ تردیدنا بکار رفته باشد نمی‌تواند قابل استناد باشد. شهود دوم به جای الفاظ یقین‌نا از الفاظ تردیدنا: **فکر کردم** که به دلیل نیاز مالی وسایل شرکت‌اش را می‌فروشد. **تا جایی که** می‌دانم بله ایشان در حال حاضر هیچ‌گونه مالی ندارد، استفاده کرده است. لذا طبق الگوی تعاملی هایلند شهود دوم باید به جای **فکر کردم** از الفاظ قطعاً و بدون تردید استفاده می‌کرد.

طرح دعوای واهی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی با شهادت شهود

چنانچه دادگاه احراز کند که دعوای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی (مرحله تجدیدنظر) واهی اقامه شده، با وحدت ملاک تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان اعسار را به پرداخت سه برابر هزینه دادرسی محکوم می‌کند.

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۳۰۱۱۱۶

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۱/۱۰/۱

رای شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای (ب.ب.) با وکالت خانم (ف.ف.) به طرفیت آقای (ق.الف.) به خواسته اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر به مبلغ ۱،۷۴۰،۰۰۰ ریال با استناد به شهادت دو نفر گواه مستجلین استشهادیه محلی تقدیمی. با عنایت به مندرجات اوراق و محتویات پرونده، امر و سیر جریان دادرسی از زمان تشکیل پرونده که نزدیک به پنج سال منقضی شده و با امعان نظر در اظهارات شهود تعرفه ای منعکسه در اوراق استطلاع و مندرجات لایحه دفاعی خوانده اعسار و مدنظر قرار دادن پیشینه و نوع فعالیت خواهان که دارای کارخانه تولید بستنی است و هیچ گونه دلیل و مدرکی مبنی بر اثبات ادعای اعسار و یا مسدود بودن حسابهای بانکی مشارالیه غیر از ادعای گواهان که به صورت کلی گویی بوده و فاقد ارزش قضائی [است] و محکمه پسند نبوده و به نظر دادگاه هدف خواهان جز اطلاع دادرسی و تضییع حقوق خوانده محکوم له نبوده و نیست؛ لذا ضمن پذیرش دفاعیات خوانده و عدم پذیرش اظهارات گواهان تعرفه شده خواهان و رد اظهارات وکیل مشارالیه، مستندا به مفهوم مخالف مواد ۵۰۴ و ۵۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده یک قانون اعسار ضمن صدور حکم به بطلان دعوای اعسار و احراز ملائت مشارالیه برای تأدیة هزینه دادرسی، مستندا به تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان اعسار را به پرداخت سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم می‌نماید. رأی صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در مرکز استان تهران است.

رئیس شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران - طالب زاده

شاهد اول

اینجانب فرزند با کد ملی استشهاد و گواهی می‌نمایم مبنی بر اینکه آقای **ظاهراً** علاوه بر اموالی که مستثنیات دین بوده و یا اموالی که معرفی نموده هیچ‌گونه مال دیگری ندارد.

ایراد شهادت نامه شاهد اول با استفاده از مدل الگوی هایلند

بر اساس الگوی هایلند یکی از الفاظی که به صدق گفتار نویسنده یا گوینده خدشه وارد می‌نماید استفاده از الفاظ و عباراتی مانند: ظاهراً، شاید و به نظر می‌رسد است که شهود اول کلمه **ظاهراً** را به کار برده و با این کلمه از التزام خودداری و کلی‌گویی نموده است. لذا یکی از دلایل رد اظهارات شهود را قاضی همین مسئله داشته و به گونه‌ای که در رأی اصدار یافته آمده است: **هیچ‌گونه دلیل و مدرکی مبنی بر اثبات ادعای اعسار و یا مسدود بودن**

حساب‌های بانکی مشارالیه غیر از ادعای گواهان که به صورت کلی گویی بوده و فاقد ارزش قضایی [است] و محکمه پسند نبوده و به نظر دادگاه هدف خواهان جز اطاله دادرسی و تضييع حقوق خواننده محکوم له نبوده و نیست.

۴۹۴

بهبود شهادت نامه قضایی شاهد اول با استفاده از الگوی هایلند

در الگوی هایلند، یقین‌نماها (قطعاً، بی‌تردید و مبرهن است که ...)، عبارت‌های تأکیدی هستند که قطعیت و یقین نویسنده را نسبت به تحقق امری بازتاب می‌دهند و گفتگو را می‌بندند که اگر شهود اول به جای ظاهراً از کلماتی از قبیل قطعاً، بدون تردید و مبرهن است که استفاده می‌نمود قطعیت و یقین اظهارات شاهد اول را می‌رساند که گویا شاهد اول عیناً موضوع را مشاهده نموده است این همان چیزی است که قانون‌گذار آن را به عنوان شرایط شاهد در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی بیان نموده است.

ماده ۱۸۳ مقرر می‌دارد «شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، ادا شود».

علم انسان اگر نسبت به خودش در نظر گرفته شود، بدون توجه به اسباب و منشأ پیدایش آن، عمل به آن لازم است؛ اما اگر نسبت به اشخاص دیگر و تأثیر آن بر دیگران ملاحظه شود و به عبارت دیگر، علم موضوع برای لزوم تبعیت دیگری و نفوذ آن در حق شخص دیگر باشد، لازم است بررسی شود که آیا مطلق علم کافی است یا علم حاصل از اسبابی خاص ملاک است^۱.

از این رو فقها بر این نکته تأکید کرده‌اند که بر حسب موضوع شهادت، لازم است هم از دیدن یا شنیدن یا با دو حس دیدن و شنیدن حاصل شده باشد.

اس در همه افعال مجرمانه نظیر قتل، جنایت بر اعضا، زنا، لواط، سرقت، غصب، شرب خمر، دیدن مشهود به ضروری است. در این موارد، مشاهده لازم است و بدون مشاهده نمی‌توان شاهد را عالم بر موضوع تلقی کرد^۲.

کار را با این برادران وارد ایران را به نام راز و نشیبا و در موضوعاتی مثل بیع، اجاره یا قذف، هم دیدن و هم شنیدن ملاک است^۳ تا بدین وسیله هم لفظ گوینده را بشنود و هم فعل او را ببیند. اما در برخی از موضوعات به دلیل استفاضه شنیدن به تنهایی ملاک است، مثل نسب، مرگ و نکاح^۴.

مدارس و ادارات استانی را دارند، و ما البته برخی از فقها تصریح کرده‌اند که در خصوص جرائم حدی و تعزیری، مشاهده ملاک علم شاهد است^۵.

مقصود از مشاهده در کلام فقها اعم از دیدن با چشم است و شامل لمس و چشیدن و بوییدن نیز می‌شود، بنابراین، هرگاه قوای حسی متناسب با موضوع دیدن، شنیدن، لمس، چشیدن یا بوییدن در شاهد، هنگام تحمل شهادت

^۱ . نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۳۲۱: «فی مقام الشهادة بأی مستند تجوز له الشهادة بالمشهود به، من العلم أو الظن، ثم العلم بمطلقه، أو الحاصل بأحد الحواس الظاهرة، أو الشرع، أو العقل، أو التجارب، أو الحدس، و كذا الظن بمطلقه، أو بالمتاخم للعلم».

^۲ . طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۸۰: «أما ما يقع له به مشاهدة فالأفعال كالغصب و السرقة و القطع و الرضاع و الولادة و اللواط و الزنا و شرب الخمر، فله أن يشهد إذا علم بالمشاهدة و لا يصير عالماً بذلك بغير مشاهدة».

^۳ . طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۶۶: «و ما يفتقر الى سماع و مشاهدة من العقود كلها كالبيع، و الصرف، و السلم، و الإجارة، و الهبة، و النكاح و نحو ذلك» (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۳۳۲؛ محقق حلی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۲۴)

^۴ . علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۰۱: «و أما السماع خاصة، و ذلك فيما يثبت بالاستفاضة، وهو: النسب و الموت و الملك المطلق و الوقف و النكاح و العتق و ولاية القاضي»

^۵ . حلی، ۱۴۰۳، ص ۴۳۷: «ان كانت شهادة بما يوجب جدا أو تعزيراً لم يحل له أن يشهد بما لا يعلمه مشاهدة على الوجه الذي قرره الشريعة»

مخدوش باشد و مانعی در دریافت درست واقعه وجود داشته باشد، شهادت از اعتبار ساقط می شود^۱. لازم را دارد و نسبت به استفتائاتی که بر مستند بودن علم شاهد به حس تأکید دارد، در پاورقی ذکر می شود^۲. شهادت در صورت امکان باید با لفظ باشد و در صورت تعذر، به صورت اشاره یا کتابت نیز مسموع است. گاهی شاهد از نظر حواس ظاهری و قوای لازم برای ادای شهادت از سلامتی برخوردار است؛ ولی گاهی از سلامتی لازم برخوردار نیست. برای گواهی دادن، شاهد باید واجد توانایی هایی باشد که در تحمل و ادای شهادت مؤثر است. دیدن و شنیدن مشهوده در زمان تحمل شهادت شرط است. بنابراین لازم است شاهد در هنگام تحمل، از حیث بینایی و شنیداری معیوب نباشد. وقتی که با حالت سلامت بینایی در امور که در آنها دیدن شرط است و صحت شنوایی در امور که در آنها شنیدن لازم است، واقعه ای را مشاهده کرده یا شنیده باشد و پس از تحمل شهادت، فاقد بینایی شده یا کر باشد، در این صورت گواهی شخص فاقد بینایی و یا شنوایی در زمان ادای شهادت پذیرفته است^۳. اما توانایی سخن گفتن شاهد نه در زمان تحمل شرط است و نه در موقع ادای شهادت^۴. فقها شهادت شخص لال را معتبر می دانند و گفته اند که چنین فردی می تواند از طریق ایما و اشاره شهادت دهد^۵.

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

« وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : شَهَادَةُ الْأَخْرَسِ جَائِزَةٌ إِذَا عَلِمْتَ إِشَارَتَهُ وَ فُهِمْتَ وَ قَدْ أُتِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِجَارِيَةٍ أَعْجَمِيَّةٍ شَكَّوْا فِي أَمْرِهَا فَقَالَ لَهَا مَنْ أَنَا فَأَوْمَتْ بِيَدِهَا إِلَى السَّمَاءِ وَ إِلَيْهِ وَ إِلَى النَّاسِ أَيْ إِنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْخَلْقِ فَقَالَ هِيَ مُسْلِمَةٌ فَعَلَّمُوهَا الْإِسْلَامَ وَ صَلَّى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالنَّاسِ جَالِسًا مِنْ عِلَّةٍ فَقَامُوا خَلْفَهُ فَأَوْمَى إِلَيْهِمْ بِيَدِهِ أَنْ اجْلِسُوا فَجَلَسُوا فَأَلِإِيمَاءُ الْمَفْهُومِ إِذَا عَلِمَ يَقُومُ مَقَامَ الْكَلَامِ » (ابن حيون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۱۰).

«شهادت لال اگر اشاره او معلوم و مفهوم باشد، جایز است. دختری غیر عرب را که درباره اش شک و تردید داشتند که آیا کافر است یا مسلمان، نزد رسول خدا آوردند. حضرت به دختر فرمود: من چه کسی هستم؟ دختر اشاره ای به آسمان و حضرت و به مردم کرد؛ به این معنی که تو پیامبر خدا به سوی مردم هستی. حضرت فرمود: این دختر، مسلمان است.

^۱ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۳۶۳: «و مستنده المشاهدة أو السماع أو هما معا، لأن الحواس مبادئ اقتناص العلوم، فمن فقد حيا فقد فقد علما، و يراد بالمشاهدة هنا ما يشمل الإبصار و اللمس و الذوق و الشم، فإنه قد يقع الشهادة و يحتاج إليها فيما يفتقر فيه إلى شمه أو ذوقه أو لمسه، فيشترط وجود الحاسة المدركة لذلك الشاهد، و إلا لم تصح شهادته، فلو شهد الأخرس أنه غصبه ماء ورد مثلا لم يصح».

^۲ گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴۹: «سؤال: آیا در شرع مقدس اسلام شاهد در قضیه ای که بخواهد در دادگاهی یا پیش حاکم شرع شهادت بدهد بایستی در متن قضیه بوده و با علم و اطلاع کامل شهادت بدهد و یا می تواند در موردی هم که خود شخصا در اصل موضوع نبوده و فقط از فلان کس موضوع را شنیده است به همین اندازه اکتفا کند آیا چنین شهادتی در شرع مقدس اسلام قابل قبول است و در قضاوت اسلامی مؤثر است یا نه؟ آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی: شاهد باید در محسوسات دیده و در شنیدنیها شنیده باشد و شهادت بدهد و در غیر این صورت موارد مختلف است».

مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۸۸۴: «۱. در مورد اعتبار مشاهده در شهادت بر زنا آیا دیدن مقدمات ملازم کافی است؟ یا تنها رؤیت ولوج و ادخال معتبر است؟ ۲. آیا در اعتبار مشاهده در شهادت بر زنا، مشاهده مستقیم شرط است یا مشاهده غیر مستقیم نیز معتبر است؟ مثلا اگر شهود از طریق آینه یا دوربین مداربسته به صورت زنده و مستقیم صحنه زنا را مشاهده کنند آیا شهادتشان به عنوان بینه شرعی حجت است؟»

آیت الله محمدتقی بهجت: ۱. دومی معتبر است. ۲. اگر غیرمستقیم هم در حصول علم مثل مستقیم باشد فرقی نمی کند.

آیت الله میرزا جواد تبریزی: ۱. رؤیت ادخال و اخراج کافی است و الله العالم؛ ۲. در صورتی که در حین مشاهده از آینه یا دوربین فاعل و مفعوله را می بیند و شخص آنان را می شناسد و عمل در همان حین را رؤیت می کند، می تواند شهادت بدهد. و الله العالم. آیت الله ناصر مکارم شیرازی: ۱. دیدن مقدمات کافی نیست؛ ۲. از طریق آینه و دوربین مانعی ندارد.

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: ۱. رؤیت ولوج و ادخال معتبر است؛ ۲. دیدن در آینه و شیشه اشکال ندارد و می شود شهادت داد».

^۳ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۳۱۷: «لیس شیء من البصر و السمع شرطه فی القبول، فتقبل شهادة الأعمى و الأصم إذا جمعا سائر الشرائط، و تحملاها حال الصحة»؛ نجفی، ۱۳۷۴، ج ۴۱، ص ۱۵۳: «و لو تحمل شهادة و هو مبصر ثم عمى فان عرف نسب المشهود به أقام الشهادة عليه بلا خلاف».

^۴ علامه حلی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۲۵۸: «تقبل شهادة الأخرس تحملا و أدا».

^۵ گلپایگانی، ۱۴۰۵، ص ۲۶۵: «إشارة الأخرس تقوم مقام اللفظ من غيره، فكما بينى على ما يفهمه من لفظ المتكلم كذلك بينى على ما يفهمه من إشارة الأخرس».

پس اسلام را به او بیاموزید. حضرت با مردم بر اثر بیماری، نشسته نماز خواند^۱ و مردم پشت سر حضرت ایستادند. حضرت با اشاره به آنان می فرمود که بنشینید و آنان می نشستند. بنابراین اشاره قابل فهم اگر روشن باشد، جای سخن می نشیند».

همان گونه که در این روایت تصریح شده، اشاره نیز برای ادای مراد کافی است. فقها نیز بر این اساس بر صحت شهادت از طریق اشاره فتوا داده اند. البته همانطور که فقها تصریح کرده اند، شهادت از طریق اشاره از شخصی پذیرفته می شود که قدرت بر تکلم ندارد. از این رو اگر شاهدهی که قدرت بر تکلم دارد و برای سخن گفتن و ادای شهادت از طریق نطق و تکلم عذری ندارد، شهادت وی از طریق اشاره پذیرفته نمی شود^۲.

چنانچه قاضی متوجه اشارات شاهد نباشد و مراد وی را تشخیص ندهد، می تواند از اشخاصی به عنوان مترجم زبان اشاره استفاده کند. در جایی که از مترجم استفاده می شود، لازم است دو مترجم حضور یابند. البته در این نمونه های ترجمه مترجمان شهادت فرع محسوب نمی شود و شهادت لال به عنوان شهادت اصل پذیرفته میشود. از این رو احکام مربوط به شهادت شاهد فرع در این باره جریان ندارد^۳.

کسانی که قدرت بر تلفظ دارند، شهادتشان باید از طریق تلفظ صورت گیرد؛ در غیر این صورت پذیرفته نخواهد بود. البته برخی از فقها تلفظ را برای افراد عادی نیز شرط نمیدانند و شهادت آنان به صورت کتابت نیز معتبر است. در این باره استفتائاتی وجود دارد که در پاورقی از نظر می گذرد^۴.

در هر صورت، فقها بر این نکته تأکید می کنند که لازم است شهادت صریح و بدون ابهام و به عبارتی خالی از احتمالات دیگر باشد و در این باره بین موضوعات مختلف تفاوتی وجود ندارد و در هیچ شهادتی نباید ابهام وجود داشته باشد^۵.

شاهد دوم

اینجانب فرزند به شماره ملی صادره از به نشانی که از طریق همسایگی از وضعیت مالی و زندگانی خواهان اعسار مطلع بوده و به باور من، ظاهراً ایشان معسر بوده است.

ایراد شهادت نامه شاهد دوم با استفاده از مدل الگوی هایلند

شاهد دوم از علائم لفظی خود اظهار الگوی تعاملی هایلند (به باور من) استفاده نموده است که این گونه الفاظ صحت و

۱. این امر از اختصاصات پیامبر(ص) است و در مورد غیر پیامبر علینا، ایستاده نمی تواند به نشسته اقتدا کند. (ابن بابویه، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۸۱) «و قال أبو جعفر (ع) إن رسول الله صلى بأصحابه جالسا فلما فرغ قال لا يؤمن أحدكم بعدى جالسا امام باقر فرمود: رسول خدا(ص) نشسته با اصحاب خود نماز خواند و هنگامی که از نماز فارغ شد، فرمود: هرگز نباید هیچ کس از شما پس از من نشسته امامت و پیشنمازی مردم کند».

۲. علامه حلی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۲۵۸: «و لو شهد الناطق بالایماء و الإشارة من غیر عذر لم تقبل». ۳. علامه حلی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۲۵۸: «تحملا و أداء إذا عرف الحاكم من إشارة ما يشهد به، فإن جهلها الحاكم اعتمد على مترجمين ممن يعرف إشارة، و لا يكفى الواحد، ولا يكون المترجمان شاهدهى فرع على شهادة الأخرس، بل يثبت الحكم بشهادة الأخرس أصلا لا بشهادة المترجمين فرعا»؛ جیبی عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۲۴۱: «ثم إن عرف القاضی إشارة عمل بما يعلمه، و إلا افتقر إلى مترجمين يعرفان إشارة، ... يكونان مخبرين بمعنى إشارة لا شاهدین علی شهادته، فلا يشترط غيبته عن مجلس الحكم حال ترجمتهما، ولا تعد شهادتهما مرتبة أولى حتى تمتنع الثانية، إلى غير ذلك من الأحكام المترتبة علی الشهادة الفرعية». درست است.

۴. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۶۷۶۰: «آیا شهادت باید به صورت لفظی باشد یا شهادت با فعل مثل اشاره و کتابت هم کافی است؟»

آیت الله بهجت: در صورت یقین حاکم به شهادت، کافی است. آیت الله سید علی سیستانی: اگر قدرت بر تلفظ دارد، باید تلفظ کند.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی: برای کسانی که قادر بر تلفظ هستند، شهادت لفظی معتبر است. آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: شهادت به کتابت و اشاره مفهمه که ظهور عقلایی دارد معتبر است و تلفظ شرط نیست.

آیت الله حسین نوری همدانی: شهادت باید با لفظ باشد، مگر آنکه قادر بر تکلم نباشد، مانند اخرس».

۵. علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۱۳: «و يشترط تجرد الشهادة عن الاحتمال»؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۲: «لا بد من كون الشهادة صريحة فلا تقع الشهادة بالألفاظ الكنائية و المجازية بدون إقامة القرينة الصارفة لها عن معناها الظاهر».

درستی گفتار شاهد را می‌رساند اما الفاظی مانند ظاهراً که عبارتهای احتیاطی هستند عدم التزام شاهد را می‌رساند به کار بردن لفظ ظاهراً توسط شاهد دوم عدم التزام وی را می‌رساند.

بهبود شهادت‌نامه شاهد دوم با استفاده از مدل الگوی هایلند

به کار بردن الفاظ ظاهراً نشانگر ظن شاهد نسبت به وقایع است همان‌طوری که ماده ۱۸۳ ق.م.ا ضمن اشاره به از روی قطع و یقین بودن شهادت، به لزوم مستند به امور حسی و تحصیل علم از طریق متعارف تأکید کرده است شهادتی که از روی ظن و تردید باشد اعتباری ندارد و فقط می‌تواند از امارات قضایی ضعیف در راستای به علم رسیدن قاضی محسوب می‌شود لذا شهادتی که در جواب قاضی بیان می‌دارد ظاهراً ایشان معسر بوده است، شهادت ظنی است لذا شهادت باید بر اساس امور حسی باشد لذا شاهد اگر شاهد دوم به جای لفظ ظاهراً از الفاظ یقین‌نما مانند قطعاً، بی‌تردید استفاده می‌کرد شهادت او یک شهادت معتبر و مطابق با اصول زبان‌شناسی بود.

نتیجه‌گیری

زبان‌شناسی حقوقی، شاخه‌ای نوین و میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی کاربردی و حقوقی است که با استفاده از ابزارهای زبانی و شواهد زبان‌شناختی به تجزیه و تحلیل کارشناسانه‌ی متون گفتاری و نوشتاری می‌پردازد و به پلیس و قضات در کشف حقیقت در دعاوی حقوقی یا اثبات وقوع یا عدم وقوع جرم در دعاوی کیفری در محاکم و پیشگیری از جرایم احتمالی کمک می‌کند. با استفاده از اصول زبان‌شناسی به منظور تشخیص دروغ می‌توان از اصول کاربردشناسی زبان از قبیل الگوی تعاملی و مشارکتی هایلند استفاده نمود، در الگوی تعاملی مشارکتی هایلند، نشانه‌هایی مانند تردیدنماها، یقین‌نماها، نگرش‌نماها، خوداظهارها و دخیل‌سازها وجود دارد که برخی از آنها مانند تردیدنماها و دخیل‌سازها حکایت از آن دارد که شاهد اطلاع دقیقی از اظهارات خود ندارد و بر اساس مقاصد شخصی در دادگاه حاضر شده و به ادای شهادت می‌پردازد. در مجموع می‌توان گفت از الگوی هایلند علاوه بر تشخیص شهادت دروغ در بهبود شهادت‌نامه‌های قضایی استفاده نمود از طریق بکارگیری نشانه‌ها مانند: یقین‌نماها، نگرش‌نماها و خوداظهارها می‌توان شهادت‌نامه‌های قضایی را بهبود بخشید.

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، **دعائم الاسلام**، مصحح: آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی
۳. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، ۱۴۱۱ق، **المهذب البارع**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی‌چا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۷۴، **لسان العرب**، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۵. امامی، حسن، ۱۳۷۰، **حقوق مدنی**، کتابفروشی اسلامیة، چاپ ششم.
۶. ترنم، افشار، ۱۳۷۸، **کاربرد زبان‌شناسی قانونی در تحقیقات جنایی**، کارگاه، ش ۳.
۷. جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، ۱۴۱۶ ه.ق، **مسالك الافهام**، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم، چاپ اول
۸. حلبی، ابوالصلاح، ۱۴۰۳ق، **الکافی فی الفقه**، اصفهان: مکتبه امیر المؤمنین (ع).
۹. حلّی، حسن بن یوسف، (علامه حلّی)، ۱۴۱۳ق، **قواعد الاحکام**، قم: نشر اسلامی.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف، (علامه حلّی)، ۱۴۲۹، **تحریر الاحکام**، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. شیخ بهایی، محمد بن حسین، ۱۴۲۳، **زبدۀ الاصول**، نشر مرصاد، قم
۱۳. طارمی، طاهره؛ تاکی، گیتی؛ یوسفیان، پاکزاد (۱۳۹۷). **جنسیت در مقالات علمی فارسی زبان: مطالعه پیکره بنیاد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی بر اساس انگاره هایلند**. پژوهش‌های زبان‌شناسی، 23-10(1).
- 41.
۱۴. طباطبائی، علی، ۱۴۱۸، **ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل**، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۱۵. طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۵ش، **مجمع البحرين**، تهران، انتشارات مرتضوی
۱۶. طوسی محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، **الخلاف**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول،
۱۷. طوسی، ابن حمزه، ۱۴۰۸، **الوسيلة**، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۸۷، **المبسوط فی فقه الامامیه**، مکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریة، تهران، چاپ سوم
۱۹. عزیزی، سیروس و مومنی، نگار، ۱۳۹۱، **زبان‌شناسی حقوقی؛ درآمدی بر زبان، جرم و قانون**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۰. قلی‌فامیان، علی‌رضا؛ کارگر، مریم (۱۳۹۳). **تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند**. پژوهش‌های زبان‌شناسی، (2) 5. 37-52.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، **اثبات و دلیل اثبات**، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان.
۲۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ه.ق، **کافی**، دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۴، **تفسیر نمونه**، پژوهشگاه حوزه، قم، چاپ چهارم
۲۴. موسوی گلپایگانی، محمد رضا، ۱۴۰۵، **کتاب الشهادات الاول**، قم، انتشارات سید الشهداء، چاپ دوم.

۲۵. موسوی گلپایگانی، محمدرضا، ۱۴۰۹، **مجمع المسائل**، ج دوم، قم، دارالقرآن الکریم

۲۶. نراقی، احمد، ۱۴۱۵، **مستند الشیعة؛ مشهد، آل البيت(ع)**

27. Macmennamin Gerald, R. 2002, Forensic linguistics: advances in forensic stylistics, CRC Press LLC.
28. Foster, Don, 2000, Author Unknown: On the trail of Anonymous. New York: Henry Holt. Cornell Law Review No. 85.
29. Shuy, roger. W., 2008, Fighting over words: language and civil law cases, oxford university press.
30. Haviland B John; 2005, Ideologies of Language: Some Reflections on Language and U.S. Law", American Anthropologists, Vol. 105. No. 4.
31. Martin, J., and D. Rose. 2003. Working with Discourse: Meaning Beyond the Clause, London: Continuum.
32. Thomas, S., and T. Hawes. 1994. Reporting verbs in medical journal articles, English for Specific Purposes, 13: 129- 48.
33. Hyland, K., and P. Tse. 2004. Metadiscourse in academic writing: a reappraisal, Applied Linguistics, 25 (2): 156–177.
34. Levi J N; "Evaluating jury comprehension of the Illinois capital sentencing instructions", American Speech, Vol. 68, 1993.
35. Prince E; "Language and the law: a case for linguistic pragmatics", Working papers in Sociolinguistics, Austin: Southwest Educational Development Laboratory, 1981.
36. Shuy R W; Language Crimes: The Use and Abuse of Language Evidence in the Courtroom, Wiley-Blackwell, 1996.
37. Kaplan J P, Green G M, Cunningham, C D and Levi, J N; "Bringing linguistics into judicial decision making: semantic analysis submitted to the US Supreme Court", Forensic Linguistics, 2 i, 1995.
38. Slembrouck S; "The parliamentary Hansard “verbatim” report: the written construction of spoken discourse", Language and Literature, Vols. 1, 2, 1992.
39. Miller, Katrina R. and Vernon, McCay; "Assessing Linguistic Diversity in Deaf Criminal Suspects", Sign Language Studies 2.4, 2002.